

نهضت مشروطیت و توطئه‌های مخالفین

حجة الاسلام والمسلمین موسوی تبریزی

اوان در اروپا مساله جدیدی پیش آمد و آن اینکه آلمان و حکومت فاشیستی آن سخت نیرومند گردید و به تاخت و تاز و شکستن قدرتهای رقیب پرداخت؛ لذا دو کشور انگلیس و روس با اینکه قبلاً اختلافهای زیادی بر سر امتیاز گرفتن در ایران با همدیگر داشتند سیاست حفظ منافع موجودشان اقتضا می کرد که از بعضی منافع خود چشم پوشی کرده و با هم کنار بیایند و پیمان در سال ۱۹۰۷ میلادی میان دو دولت بسته شد و در آن پیمان ایران را به سه قسمت تقسیم کردند و قسمتی را مخصوص انگلستان و قسمتی دیگری مخصوص روس و قسمتی را مشترک میان دو طرف قرار دادند! جالب اینکه در این پیمان هرگز از ایران نمایندگی نخواستند.

اکنون جمیلات کوتاهی از این پیمان را می آوریم:

فصل اول - دولت انگلیس متعهد می شود که در آنطرف خطی که از قصر شبرین از راه اصفهان و یزد و خلیج فارس بمنطقه ای از سرحد ایران منتهی و سرحد روس و افغانستان را تقاطع می نماید، برای خود با کمک عادی برعابای خود با معاونت بانای دولت دیگر در صدد تحصیل هیچگونه امتیاز بلنکی یا تجارنی از قبیل امتیازات راه آهن و بانکها و تلگرافها و حمل و نقل و بیه و غیره بر نیاید.

فصل دوم: دولت روس هم متعهد است که در آن طرف خطی که از سرحد افغانستان از راه قازیک و بیرجند و کرمان رفته بشهر عباس منتهی می شود، برای خود با کمک به اتباع خود، امتیازی تحصیل ننماید.

فصل سوم: دولت روس متعهد می شود که بدون اینکه قبلاً با دولت انگلیس مشاوره و تفهیمی شده باشد بهیچگونه امتیازی که برعابای انگلیس در نواحی ایران واقع فیما بین

در مقالات گذشته بحث در مورد نقش روحانیت آذربایجان در نهضت‌های اسلامی بویژه در رابطه با انقلاب مشروطیت بود که در این راستا به توطئه‌های استعمارگران بالخصوص انگلستان و روسیه اشاره کردیم بنابراین بود که بدست محمدعلیشاه انقلاب پاک و مقدس مردم مسلمان ایران و روحانیت با بانحراف و یا بسقوط کشانده شود و برنامه‌های آنان را در این زمینه بیان کردیم. سخن باینجا رسید که پس از شکست استبداد کبیر در زمان ناصرالدین شاه و پسرش مظفرالدین شاه و پیروزی آزادیخواهان در برابر استبداد قاجاریه، بالاخره مجلس شورای ملی تشکیل و قانون اساسی مصوب نمایندگان مردم در سال ۱۳۲۴ هجری قمری بامضاء مظفرالدین شاه رسید. نمایندگان مردم در مجلس شورا با کمال جدیت مشغول رسیدگی به قوانین و تصویب آنها بودند و بخیال آنکه تمامی امور تمام شده و صرفاً کمبود قانون مشکل مملکتی است، در نوشتن قانون و سرعت دادن به مصوبات مجلس سر از پا نمی شناختند. ضمناً در این میان مسئله متمم قانون اساسی نیز مطرح بود که مزاجع و علمای بزرگ نجف مانند آیت الله آخوند خراسانی نیز پیشنهادهایی در این زمینه داشتند که مجال صحبت در باره آنها بجای دیگر موکول است.

همانگونه که در مقاله گذشته متذکر شدیم: محمدعلیشاه از تشکیل مجلس شورا و مشروطه شدن دولت ایران بسیار ناخشنود بود و تحت تأثیر دو کشور روسیه و انگلستان برای سقوط انقلاب و یا به انحراف کشانیدن آن فعالیت می کرد. متأسفانه در همان

خطوط مذکور در فصل اول و دوم، داده شد، هدیتی نکند و همچنین دولت انگلیس متعهد است که امتیازاتی که برعبای روس در همان نواحی ایران داده شده است بحال خود قرار دهد.

این پیمان بجز اینکه راه روسها و انگلیسها را با کمال راحتی به ایران باز می کرد و ایران را بدون هیچ احترامی بافرد و ملت و صاحبان اصلی آن سرزمین در میان خودشان تقسیم می کردند، ضرر و زیان بزرگ دیگری نیز داشت و آن اینکه روسها چیرگی بیشتری نمودند و فشار و آزار بیشتری را بر آذربایجان وارد آوردند و چون دولت روس با مشروطه ایران دشمنی آشکار نشان داد، دشمنی محمدعلیشاه نیز آشکارتر گردید و بیاری روسها و تحریکات انگلیسها و مزدوران آنها در ایران کار را بجائی کشید که به توپ بستن مجلس شورا و وارد شدن لشکر روس به ایران از طریق آذربایجان - گیلان و جنایتهای بیشمار آنان منجر گردید.

سرانجام پس از پیمان شوم مذکور، محمدعلیشاه با راه انداختن اوباش محلی در تهران و شهرستانها و با پشتیبانی دولت روس مشغول توطئه چینی بود ولی در آنموقع دیگر از جنبش و حرکت در شهرستانها بجز آذربایجان و تهران خبری نبود. البته گاهی حرکتی در اصفهان و یارشت و منطقه گیلان شکل می گرفت ولی دامنه دار نمی شد. تنها منطقه ای که با هوشیاری تمام مسائل را دنبال می کرد و جزئیات حوادث با دور اندیشی بسیار عمیق زیر ذره بین قرار می داد و تحلیل می کرد، تبریز بود. تبریز بسیاری از مسائل را که بعداً حوادث شد از بدو سلطنت محمدعلیشاه، تحت دقت قرار داده، با پیش سیاسی خویش، پیش بینی کرده بود. و این مطلب دلیل دیگری بر هوشیاری و داشتن پیشش و تفکر عمیق سیاسی مردم این سامان است.

مردم تبریز از ابتدای سلطنت محمدعلیشاه تمام حرکات او را دقیقاً تعقیب می کردند. البته با شناختی که از زمان ولیعهدی او در تبریز داشتند نسبت باعمال و رفتار او کاملاً بدبین بودند و می دانستند که محمدعلیشاه ظاهراً طرفداری از مشروطیت می کند لکن در واقع مخالف است و همانطوریکه امام صادق علیه السلام می فرماید: «العالم بزمانه لایهجم علیه اللوابس»:

کسانیکه آگاه از زمان (شرائط) اشخاص - توطئه ها مشکلات و دردهای زمان خویش) باشد، شبیه ها و توطئه ها و فریبها او را تحت هجوم قرار نمی دهند و از اینرو بود که از ابتدای سلطنت او مردم تبریز حرکتی اعتراض آمیز خود را شروع کردند و خواب راحت را با تلگرافها، اعصابها، تحصنها، اجتماعات و تظاهرات از محمدعلیشاه سلب کردند.

کسروی در ص ۲۱۰ - ۲۱۱ کتاب خود می نویسد:

روز سه شنبه پانزدهم بهمن ماه ۱۳۲۵ قمری هجری مطابق ۱۲۸۶ شمسی، نامه هائی از تهران به تبریز رسید که پیش آمدها دل آزار باز پسین را از دژ رفتاری پسر سیدار با شیخ محمد و دیگران و بی پروائی شاه با مجلسیان (مجلس شورای ملی) و نخوتدن آنان بشاگرداری و پافشاری او برای نگهداری بشویکیان و نپذیرفتن وزیران پاسخدهی را در برابر مجلس و مانند اینها آگاهی می داد. اینگونه نامه ها سران جنبش را بشورانید و فهمیدند که در پس پرده، محمدعلی میرزا با مشروطیت مخالفت و توطئه می کند. این بود که دیگر سکوت را شکستند و در ۲۳ ذی الحجة الحرام شانزدهم بهمن ماه عده زیادی از مردم و مجاهدان در اتحمن جمع شدند و سخنرانیهای ایراد نمودند، کم کم خبر به پیشهوران و بازاریان نیز رسید، بازارها بسته شد، همه در اتحمن اجتماع نمودند. در این میان علما و وعاظ نیز یکایک می آمدند و پس از گفت و شنید چنین قرار گذاشته که فردا در تلگرافخانه گرد آیند و با تهران صحبت کنند و اعتراض و نگرانیهای خود را تلگرافاً برسانند، لذا فردای آنروز تلگرافی از طرف اتحمن و تلگراف دیگری از طرف علما و حجج اسلام شهر تبریز به تهران مخابره شد که تلگراف حضرات علما و حجج اسلام تبریز را عیناً نقل می کنیم:

خدمت حضرات آقایان حجج الاسلام دامت برکاتهم (مخاطب علمای مجلس شورای ملی بالخصوص آیت الله طباطبائی و بهبهانی می باشد).

امروز پاره ای مکاتیب از تهران به جمعی از اهالی تبریز رسیده و ماگ همه آنها اینست که اعضای محترم دارالشورای ملی تهران، دلتنگی از عدم پیشرفت امورات مشروطه دارند و اعلیحضرت همایونی را موافق نمی دانند و باین واسطه اهالی تبریز تماماً مشوش و بازار بسته و هنگامه

است. اهالی دولت را مشروطه دانسته و تمکین تمام داشتند این اخبارات موجب موثبه اسباب هيجان عمومی شده، اعضای انجمن تبریز باعضای دارالشورا اطلاع داده اند که فردا پنجشنبه چهار ساعت از دست گذشته، در تلگرافخانه حاضر شوند تا مخابره حضوری بشود این است که متمنی هستیم که حضرات حجج الاسلام نیز در ساعت مزبوره شرف حضور داشته باشند که دعاگویان نیز حاضر شده مخابره و مشاوره حضوری نمائیم. انشاء عموم حجج الاسلام تبریز ۲۳ ذی الحجة الحرام ۱۲۸۷ هجری قمری.

و در تلگرافی دیگر، عده ای از بزرگان آیات و مجتهدین تبریز مستقلاً اعتراض خود و خواسته های مردم را اینچنین به طهران و مجلس شورای ملی مخابره می کنند.

آنچه عرض می شود تماماً گفته جمیع ملت است که دیروز بازار را بسته بانجمن مقدس اجتماع نموده صراحتاً می گویند، و واضح جواب می خواهند: اولاً در عدم پشرفت امورات و کارهای شورای کبری مانع کجا است و سبب چیست. ثانیاً در حالتی که شورای کبری حق دارند از کلیه کارها باخبر باشند و مداخله داشته باشند، سبب چیست که از اغلب کارها بی اطلاعند مثل تاج گذاری و تعیین ولایت عهدی و عزل و نصب حکام و دادن بعضی کارهای عمده باشخاص غیر صحیح و مسئول ندانستن وزراء خودشان را و عدم اجراء بعضی از اصول نظامنامه اساسی و تنور در کارها و غیره که اینها اسباب بآس و هيجان ملت شده است. انشاء: مجتهد - حاج میرزا محسن قزوینی نفع الاسلام، و شیخ الاسلام و علماء و تجار و عموم ملت.

دو نمونه فوق از نامه های علما و حجج اسلام و مردم تبریز نشانگر همان معنی است که در مقاله های قبلی و در این مقاله گفتیم که: اولاً مردم تبریز در درک مطالب سیاسی و تحلیل وقایع و رویدادهای اجتماعی بصورت درست و واقعی بسیار عمیق و دوراندیش هستند. ثانیاً در همه حرکات و مبارزات خود از علما و بزرگان اسلام و مبلغین درجه یک زمان خودشان پیروی می کرده اند. و نمونه ای دیگر در این زمینه را نیز در همان زمان در آمادگی بسیاری از مردم در زمینه تعلیمات نظامی و مسلح شدن آنان به تسلیحات مدرن روز و استفاده آنها از اسلحه در شرائط صحیح بروشنی پیدا می کنیم و خوشبختانه در این جهت نیز علما

و عاقل غیور تبریز درست همان موقعیکه در بسیاری از شهرستان ها به فعالیت های مرموز محمدعلیشاه با دیده خوشبین می نگریستند و یا بعضی ها او را طرفدار آزادی و قانون اساسی می انگاشتند، مردم تبریز و بعضی از علمای مهم آن سامان مبارزه طولانی و سختی را با محمدعلیشاه و پشتیبانان او از خارج و داخل پیش بینی می کرده اند و با اجتماع در مساجد و تنظیم و تشکیل کلاسهای عقیدتی و سیاسی و نظامی آمادگیهای روحی و جسمی و رزمی در خودشان ایجاد می کردند. همانطوریکه امام بزرگوار در اوائل تشکیل بسیج مستضعفین در پیامهایی فرمودند: جوانها باید با صلاح و سلاح مجهز شوند و با یکدمت قرآن و با دست دیگر شمشیر بگیرند و مردم را به تشکیل ارتش بیست میلیونی تشویق کردند و این مطلب بنوبه خود نمونه بسیار بزرگی است که نشانگر دوراندیشی و عمق فکری حضرت امام امت است و همه می دانند که بسیج مستضعفین در ایجاد امنیت در داخل شهرها در مواقع بسیار حساس و بحرانی کشورمان و مبارزه با ضد انقلابهای داخلی که با پشتیبانی ابرقدرتهای شرق و غرب به ترور شخصیت های بزرگ اسلامی و ایجاد آشوب و بلوا و تضعیف دولت جمهوری اسلامی دست یازیدند، چه نقش بزرگ و تعیین کننده ای داشتند. و همینطور در جنگ با دشمنان خارجی در مرزهای کشورمان و در جبهه های حق علیه باطل که بر احدی پوشیده نیست که همواره در حملات و تیرد نیروهای اسلام علیه باطل خط شکنها و سنگرداران صفهای مقدم و پرچمداران سریع السیر اسلام که خواب راحت را از دشمنان صدامی ربوده اند این عاشقان حسینی و یاوران راستین امام خمینی و حامیان ملت مستضعف ایران بسیجیهای عزیز هستند که در اینجهت گوی سبقت را از همه ربودند و تعامی مردم ایران و دولت جمهوری اسلامی و همه مسئولین مملکت مرهون این مردان بزرگ اسلام و غیور مردان تاریخ انقلاب اسلامی هستند که امیدواریم هرچه سریعتر با دست پاک این سرداران بزرگ اسلام، صدام و صدامیان: ریشه کن شده و راه پیروزی به قدس عزیز و نجات آن از دست صهیونیستها باز بشود. و اما جریان تعلیم نظامی در مساجد و تکایای تبریز در زمان محمدعلیشاه را در مقاله آینده می خوانید.